

راهکارهای تبلیغی پیامبر اعظم (ص).....

حمید نگارش

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

تبلیغ برای رساندن پیام الهی، اولین و اصلی‌ترین هدف پیامبران، بویژه نبی مکرم اسلام (ص) بوده است. مقاله حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه پیامبر توانست در فرصتی محدود و با امکاناتی ناچیز چنان تحولی در مردم به وجود آورد که بعد از مدتی جامعه‌ای کاملاً متفاوت با آنچه پیش از آن بود به وجود آید؟ فرضیه مورد آزمون این است که نبی اکرم (ص) با استفاده از راهکارهای خاص تبلیغی مبتنی بر رویکرد پیامبرانه، مخاطب خود را قلوب و دلهای مردم قرار داد و توانست به این مهم نایل شود. مقاله با دلایل و استنادات و بارویکرد توصیفی به اثبات این فرضیه می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: تبلیغ - دین - راهکارهای تبلیغی - رویکرد پیامبرانه - پیامبر اعظم (ص)

مقدمه

اسلام برترین پیام آسمانی را برای سعادت آدمی به ارمغان آورد؛ پیامی که توانست در مدتی کوتاه دلهای مشتاق راه حق و حقیقت را به طرف خود جذب نماید. اسلام به همت نبی اکرم، حضرت محمد (ص) در سرزمین حجاز ظهور یافت. سرزمین سوخته‌ای که نشانی از تمدن و فرهنگ در خود نداشت. اهل آن به تجاوز و غارت تفاخر می‌کردند، حق و حقوق

بر مدار قدرت بود. اما در همین سرزمین، انسانهایی سر برآوردند که زمینه را برای پیدایش تمدن بزرگ فراهم کردند. پرسش این است که چگونه پیامبر توانست در مدتی کوتاه و با کمترین امکانات، از یک جامعه بدوی و جاهلی، یک جامعه آرمانی، عدالت خواه، و اسلامی بسازد؟ چطور مردم از منزل نفس رهاکننده شده، به سوی حق سوق پیدا کردند. از خودرها شده و به خدا رسیدند. فرضیه مورد آزمون نوشتار این است که نبی مکرم اسلام در جریان حرکت دادن مردم به طرف خداوند، از راهکارهای تبلیغی خاص استفاده کردند. در این راهکارها قلوب مردم مخاطب قرار گرفت؛ به گونه‌ای که پیام در دلها نفوذ کرده و قلبها را به تسخیر خود درآورد. این رویکرد ضمن ارائه مدل‌های رفتاری و عملی، زمینه انقلاب و تحول اساسی در رفتارها را پدید می‌آورد. حلم و بردباری، عفو و گذشت، شرح صدر، تواضع و... از آن جمله است. امروز هم رویکرد پیامبرانه در تبلیغ، منشاء تحولات اساسی است. همچنان که امام خمینی قدس سره با تأسی به آن، منشأ تحول عظیم در احیای هویت دینی شد. با وجود آن که در صنعت تبلیغ تحولات چشمگیر رخ داده است، روش پیامبرانه همچنان پیشرو همگان است، چه این که در این رویکرد مخاطبان به حیات معنوی و پویایی دعوت می‌شوند. در رویکرد پیامبرانه در دشناسی و درمانگری هر دو با هم وجود دارد و نجات بشر از هلاکت و عذاب همیشگی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد می‌کوشد دانش بخشی بشر را در دستور کار خود قرار داده و با جهل و تعصبات غلط مقابله کند. در رویکرد پیامبرانه، بارقه‌های امید در دل‌های آدمیان زنده می‌شود. این مقاله می‌کوشد بعضی از راهکارهای تبلیغی پیامبر را که در بردارنده رویکرد خاص می‌باشد بیان کند.

مفهوم شناسی

۱- تعریف تبلیغ

تبلیغ از ریشه بلغ، به معانی رساندن و رسانیدن پیام می‌باشد، اصطلاح پروپاگاندا (propaganda) امروزه معادل تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران می‌باشد.^۱ واژه تبلیغ گویای رساندن پیام به صورت صحیح می‌باشد و واژه‌های هم‌خانواده آن نیز در قرآن و کتب روانی فراوان کاربرد دارد. به عنوان مثال درباره پیامبران می‌فرماید «مَا عَلَى الرَّسُولِ

إِلَّا الْبَلَاغُ» (مانده / ۹۹) مفهوم تبلیغ (رساندن پیام الهی) نیز در آیات زیادی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه» (نمل / ۱۲۵) تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی پیام دهنده، پیام گیرنده و پیام استوار می‌باشد.^۲ در تبلیغ تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی‌باشد، بلکه اقناع یا ترغیب او مورد نظر است. پس باید کوشید تا با شفاف‌سازی پیام، مخاطب را از طریق سبکها و ابزارهای گوناگون قانع ساخت و به هدف خود مایل گرداند.

۲- شاخص‌های تبلیغ دینی

تبلیغ دین دارای شاخص‌های مهمی می‌باشد که به واسطه آن سمت و سوی تبلیغ روشن می‌شود. بعضی از این شاخصها عبارتند از:

یک - دعوت به توحید، بندگی خدا و اجتناب از طاغوت:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳۶)

دو - توجه دادن به معاد:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون: ۱۱۵)

سه - زنده کردن دلها و روحها:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)

چهار - نوید و هشدار:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُبِينًا (احزاب: ۴۶-۴۵)

تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، برانگیختن فطرت و عقل، توجه دادن انسان به مقام و منزلت خویش در هستی و ترغیب به شکوفایی این منزلت برای رسیدن به غایت خلقت او از دیگر اهداف مهم تبلیغ دین می‌باشد.

۳- پیام‌گزار دینی (مبلغ)

پیام‌گزار در لغت به معنی رسول، پیغام‌آور و مانند آن آمده است.^۳ از منابع دینی استفاده می‌شود که پیام‌گزار دین کسی است که پیام دینی را با استفاده از روشها و ابزارهای مشروع

به مردم می‌رساند و از کسی جز خدا واهمه ندارد و اجر و پاداش کوششهای تبلیغی خود را نیز تنها از او انتظار دارد:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب: ۳۹)

۱-۳- جایگاه پیام‌گزار (مبلغ)

کار مبلغ دین، هدایت انسانها به سوی خداوند است. از این رو منزلت و جایگاهش نیز بسیار مهم و ارزشمند است. قرآن می‌فرماید «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». زنده گرداندن دل‌های مرده بر عهده پیام‌گزاران و مبلغان دین است.

۴- پیام‌گیرنده:

از ارکان مهم تبلیغ، پیام‌گیرنده است که با وجود او تبلیغ معنی پیدا می‌کند. توجه به علم و آگاهی، باورها، سن، جنس، جایگاه اجتماعی از موارد مهمی است که در ارائه پیام به گیرندگان آن باید توجه شود.

۵- پیام:

پیام، اعتقاد، اندیشه، یا گرایشی که پیام‌دهنده قصد دارد آن را به پیام‌گیرنده منتقل کند و ممکن است بار سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و مانند آن داشته باشد. پیام هر قدر به میزان بیشتری از محتوا، جذابیت و کارایی لازم و درک فرهنگ زمان برخوردار باشد، اهمیت بیشتری دارد.^۴

۶- راهکارهای تبلیغی:

مراد از راهکارهای تبلیغی، راهها و روشهایی است که نبی مکرم اسلام (ص) برای تبلیغ حقایق دینی از آن استفاده، نموده است. در نظرگاه اسلام چگونگی تبلیغ دینی اهمیت فراوانی دارد. این اهمیت از اصل نیاز دین به تبلیغ ناشی می‌شود و بهره‌گیری از راهکارهای جذاب و کارآمد و به روز، نقش مهمی در تأثیر تبلیغ ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «امروز در دنیا در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم که در میدان و صحنه تبادل نظر، ساعت به ساعت روشهای نو را به کار می‌برد، چگونه می‌خواهیم حرف حق خود را به همان، شیوه و روش که در صد سال پیش داشتیم در میان بگذاریم... باید ابزار را به تناسب انتخاب کرد.»^۵

رویکرد پیامبرانه در تبلیغ

پیامبر اکرم در مدتی کوتاه توانست انقلابی بزرگ در رفتار، روش، افکار مردم زمان خود ایجاد کند. آن بزرگوار توانست من‌عالی و انسانی را در وجود انسانهای عصر دیار خود زنده گرداند. این تحول عظیم در سایه رویکرد خاص آن بزرگوار بود؛ رویکردی که می‌کوشد با همه وجود، دلها و قلبها را متوجه دین گرداند. این رویکرد مربوط به همه پیامبران است.

استاد مطهری می‌نویسد: «پیامبر خدا به معنی عام پیام خدا را به خلق خدا ابلاغ می‌کند و نیروهای آنها را بیدار می‌کند و سامان می‌بخشد و به سوی خدا و آنچه رضای خدا است، یعنی صلح و صفا و اصلاح طلبی و بی‌آزاری و آزادی از غیر خدا و راستی و درستی و محبت و عدالت و سایر اخلاق حسنه دعوت می‌کند و بشریت را از زنجیر اطاعت هوای نفس و اطاعت بتها و طاغوت‌های می‌بخشد... بنابراین رهبری خلق و سامان بخشیدن و به حرکت در آوردن نیروهای انسانی در جهت رضای خدا و صلاح بشریت، لازم لاینفک پیامبری است.»^۶

امروز در صنعت تبلیغ تحولات عظیمی رخ داده است. ولی از آنجا که مخاطب پیامبران در تبلیغ، قلوب انسانها می‌باشد، تغییرات پدید آمده در تکنولوژی تبلیغ نتوانسته است گوی سبقت را از روش انبیاء برآید. مضاف بر این که هیچ منافاتی نمی‌باشد بین بهره‌گیری از روش پیامبرانه و استفاده از فن‌آوری روز و می‌توان از ابزار تکنولوژی روز برای رساندن پیام به قلوب و دل‌های مردم استفاده بهینه نمود.

بیان راهکارها

۱- استفاده از زمان و مکان مناسب

یکی از راهکارهای مناسب جهت تبلیغ دین، استفاده از زمان و مکان مناسب است. یکی از این مناسبت‌های مهم، مراسم حج می‌باشد که کنگره‌ای است بین‌المللی. پیامبر اکرم (ص) از این موقعیت به دست آمده حد اکثر استفاده را جهت تبلیغ دین به کار می‌برند. عبد الله بن کعب می‌گوید پیامبر خدا (ص) سه سال نخستین دوران نبوت خود را پنهانی دعوت می‌فرمود و از سال چهارم تا ده سال در مکه دعوت خود را علنی کرد. در موسم حج به سراغ

حجاج در منزلهایشان در عکاظ و مجنه و ذی المجاز می رفت و به دعوت آنها می پرداخت.^۷ واقدی نقل می کند: ما، در منی نزد جمره اولی نزدیک مسجد خیف منزل داشتیم. رسول خدا در حالی که بر مرکب خود سوار بود وزید بن حارثه را بر ترک آن سوار کرده بود، آمد و ما را دعوت به اسلام کرد و ما شنیده بودیم که او در موسم حج دعوت می کند.^۸ ربیعه بن عباد گوید من نوجوانی بودم همراه پدرم در منی، رسول خدا به منزلگاه قبایل عرب می آمد و می گفت من پیامبر خدا هستم به سوی شما از شما می خواهم خدا را پرستش کنید و برای او شریک قرار ندهید و آنچه شریک خدا ساخته اید به دور افکنید و به من ایمان آورید و مرا تصدیق کنید و در انجام رسالتی که از خدا دارم از من دفاع نمایید.^۹

ابو نعیم نقل می کند که وقتی علی (ع) از انصار و فضیلت و سوابق آنها می فرمود در ضمن بیانات خودش اشاره کرد که رسول خدا در اوقات حج به دعوت قبائل می پرداخت و کسی پاسخ نمی داد. در مجنه و عکاظ و منی به سراغ قبائل می رفت و هر سال که می گذشت باز هم آنها را دعوت می کرد تا آنجا که قبیله ها می گفتند وقت آن نرسیده که از ما نومید شوی، تا این که خدای عز و جل اراده نمود انصار این دعوت را بپذیرند، چون اسلام را بر آنها عرضه کرد، پذیرفتند و یاری کردند و...^{۱۰} اینها نمونه هایی از روایات بود که تسلیغ پیامبر را در عرصه حج آشکار می نمود. از یک منظر، موسم حج در امر تبلیغ قابل بررسی است. موقعیت و تجمع بی نظیر مسلمین که در هیچ مناسبتی بدین گونه تحقق نپذیر نمی باشد. در این اجتماع بین المللی می توان با زبانهای گوناگون، مسائل اسلام و مسلمین را مطرح و به وسیله حاضرین به غائبین که در اقصی نقاط جهان هستند رسانید. یکی از فلسفه های حج و آن اجتماع بزرگ همین است که مسائل مربوط به امت اسلام مطرح شود و برای چاره اندیشی تبادل نظر به عمل آید (لیشهدوا منافع لهم). اجتماعی که برای انجام فرائض دینی همراه با عشق و ایمان به دور یکدیگر جمع شده اند، آمادگی روحی آنان برای پذیرش مسائل دینی بسیار است. تاریخ بیان می کند که پیامبر اکرم (ص) بارها از این ظرفیت استفاده کردند. دعوت نخستین به اسلام، اعلان برائت از مشرکین، مسئله فتح مکه و حادثه بسیار مهم غدیر خم که هنگام بازگشت از حجه الوداع صورت گرفت، نمونه هایی از حرکت تبلیغی می باشد.^{۱۱} بکوشیم با پیروی از پیامبر (ص) از این ظرفیت عظیم در جهت تبلیغ دین حداکثر استفاده را بکنیم.

آری پیامبر اسلام نیک می دانستند که حج، وحدت و انسجام مسلمین در سایه تمسک به حبل الهی برای شکست و نابودی تمامی کفر و ظلم است. می دانستند که حج مجهز شدن به سلاح توحید، معزز شدن به عزت حق و متخلق شدن به اخلاق الهی و مفتخر شدن به کسب فضایل مادی و معنوی و بیداری است. پس شما روحانیون محترم در ایام حج می توانید بیان کننده خدمات نظام و انقلاب باشید. می توانید دیدگاههای امام و رهبری را در خصوص مسائل اساسی ایران و جهان اسلام بیان نمایید. می توانید آثار اتحاد مسلمانان و یک رنگی آنان را تحت رایت اسلام برای از بین بردن تفرقه‌ها و نیرنگ دشمنان تبیین کنید. بر ماست که درک حقیقی آموزه‌های دین اسلام و اعمال عبادی و سیاسی آن همچون حج را برای زائران کوی دوست فراهم آوریم. توجه به زمان و مکان یکی از راهکارهای تبلیغی نبی اکرم (ص) بود که با توجه به آن تبلیغ خود را پی می گرفت. ما فقط از موقعیت حج در بهره گیری از زمان و مکان مثال زدیم و می توان مثالهای زیادی در ارتباط با استفاده پیامبر (ص) از این ظرفیت ارائه نمود.

۲- حلم و بردباری

یکی از عوامل مهم در جذب دلهای افراد به سوی اسلام، حلم و بردباری است. حلم نوعی تسلط بر نفس می باشد، به طوری که هنگام برخورد با صحنه‌های ناراحت کننده دچار غضب نشود و عکس العمل نشان ندهد. راغب اصفهانی حلم را مهار نفس و طبیعت از به هیجان درآمدن به سبب غضب می داند.^{۱۲}

یکی از حساس ترین خاستگاه‌های طوفان غضب، لحظه برخورد با افراد نادان می باشد. از این رو پیشوایان اسلام تأکید کرده‌اند که با گشاده رویی که زیور حلم است این حالت را از خود طرد کنند. لذا پیامبر (ص) می فرماید گشاده رویی زیور حلم و بردباری است.^{۱۳}

بکوشیم برای رسیدن به اهداف متعالی تبلیغی خود از این راهکار استفاده کنیم که رئیس مذهب می فرماید انسان بردبار پیروز است.^{۱۴} نبی مکرم اسلام (ص) می فرماید حلم دارای آثاری همچون موفق شدن به کارهای پسندیده، با نیکان، رغبت به نیکی، گذشت و مهلت دادن می باشد.^{۱۵} آن بزرگوار خود واجد این فضیلت اخلاقی بود. آری پیامبر بزرگ اسلام با بردباری از مردمی که به دور از فضایل اخلاقی بودند و به غارت و بت پرستی، شرابخواری، زنا و خیانت افتخار می کردند، انسانهایی ساخت که واجد عالی ترین مقامات

انسانی بودند. با این که پیامبر صدمه دید و گرفتار اذیت و آزار مخالفان گردید ولی در عین حال یک بار هم نفرین نکرد و از خداوند برای آنان طلب هدایت می کرد. این یک راهکار بزرگ برای پیشبرد مقاصد تبلیغی است که ما پیام گزاران باید از آن سرمشق بگیریم. انس بن مالک می گوید: روزی یک مرد عرب بیابان نشین محضر پیامبر آمد و ردای ایشان را گرفت و آن را با شدت کشید، به طوری که اثر آن روی گردن پیامبر نمایان شد. پس آن عرب بادیه نشین گفت: ای محمد (ص)، از اموالی که خدا در اختیار تو قرار داده است چیزی به من عطا کن. پیامبر به او نگاه کرد و به رویش لبخند زد و دستور داد که چیزی به او بدهند.^{۱۶}

در روایت دیگری امام صادق (ع) درباره این صفت پیامبر می فرماید: روزی خدمتکار یکی از انصار به مسجد پیامبر آمد و در حالی که پیامبر (ص) ایستاده بودند ایشان رفت و گوشه‌ای از لباس آن حضرت را گرفت. پیامبر به او توجه نمود تا اگر کاری دارد برای او انجام دهد. ولی آن خدمتکار بدون آن که سخن بگوید، بیرون رفت. پیامبر (ص) به او چیزی نگفته و به زمین نشستند. آن خدمتکار دوباره آمد و این عمل را تا سه مرتبه تکرار کرد و در هر مرتبه پیامبر (ص) برمی خاست و سخن نمی گفت تا مرتبه چهارم شد و وی گوشه‌ای از لباس آن حضرت را قطع کرد و رفت. مردم به او گفتند چرا پیامبر را سه مرتبه از جای خود حرکت دادی و چیزی به او نگفتی، حاجت تو چه بود؟ او گفت در منزل ما مریض هست، مرا فرستادند تا قطعه‌ای از پیراهن او را برای استشفای بگیریم. ولی من حیا کردم که از لباس آن حضرت در حالی که نگاه می کند، چیزی جدا کنم. اما در دفعه چهارم پشت سر پیامبر به طرف من بود و من توانستم از لباس وی قطعه‌ای جدا کنم.^{۱۷}

ببینید پیامبر اسلام که مظهر حلم و بردباری می باشد با رفتار خود چگونه تأثیرگذاری می کند. برای ما مبلغان، پیش می آید که در بعضی مواقع عصبانی می شویم. مثلاً نسبت به مراجعه مکرر مخاطبان برای جواب مسئله‌ای و مانند آن، چقدر خوب است به پیروی از پیامبر زمینه اقبال مردم را به حل مسائل دینی بیشتر کنیم و بگذاریم مردم ما را امین خود بدانند.

۳- جنگ روانی در سیره تبلیغی پیامبر (ص)

جنگ روانی، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آنها تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است.^{۱۸}

بنابر این مقصود از جنگ روانی، فرایند تبلیغ در راستای تخریب روحیه دشمن و تقویت توان نیروهای خودی در عرصه‌های مذهبی، سیاسی و نظامی می‌باشد. شایان ذکر است که با توجه به تعالیم اسلام جنگهای روانی به دو قسم مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در قسم منفی از اموری همچون تهمت، شایعه، دروغ‌پردازی، ترور، شکنجه و... استفاده می‌شود که این امور از دیدگاه اسلام ممنوع است. در قسمت مثبت اموری همچون افشای ماهیت دشمن، ارباب و تحقیر وی و روحیه دادن به نیروهای مؤمن مطرح است که مراد ما از جنگ روانی به عنوان یک راهکار، قسم اخیر می‌باشد.

خداوند در قرآن به شیوه‌های مثبت جنگ روانی همچون تحقیر دشمن، ایجاد ترس در دل آنان، روحیه دادن به مسلمانان، مبارزه با شایعه و... اشاراتی کرده است. به عنوان مثال بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد، بدر، مشرکان مکه هم پیمان شدند تا در اقدامی هماهنگ، مسلمانان را به کلی از میان بردارند. اما خداوند متعال با نزول آیه زیر روحیه آنان را در هم ریخت و فرمود:

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ لَّيْسَ لَهُمْ شُرَكَاءُ فِيهِمْ وَإِلَىٰ جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ (آل عمران: ۱۲)

به کافران بگو به زودی شکست می‌خورند و در روز قیامت به جهنم رهسپار خواهند شد و چه بد جایگاهی است!

پس از نزول این آیه طولی نکشید که یهودیان مدینه و بت پرستان مکه شکست خوردند. رسول گرامی اسلام (ص) نیز در رویارویی نظامی با دشمن بارها از عملیات روانی مثبت استفاده کرده است. به عنوان مثال همین که متوجه شد دشمن قصد حمله به مدینه را دارد، به سوی دشمن می‌شتافت و با امداد از غیب، گاهی شکست دشمن و پیروزی مسلمانان را پیشگویی می‌نمود. چند ساعتی از شکست مسلمانان در احد نگذشته بود که پیامبر اکرم (ص) متوجه شد دشمن از میان راه برگشته و با حمله به مدینه می‌خواهد کار را یکسره کند. حضرت دستور آماده باش داد و مسلمانان با بدن‌های زخمی به سوی دشمن حرکت می‌کردند. چون به حمراء الاسد رسیدند، پیامبر دستور داد افراد در طول روز هیزم جمع کنند و چون شب فرا رسید، در پانصد نقطه، آتش افروخت. سرانجام خبر آمادگی سپاهیان اسلام و تصور نیروی زیاد بر اثر آتشی که افروخته شد، دشمن را از تعرض باز داشت. بنابر این از روشهایی که همواره دشمنان در مقابل پیام‌آوران الهی جهت ایجاد شک و دودلی و مانند

آن به کار می‌بردند، پیامبر بارها کار مناسب نه تنها توطئه آنان را خنثی فرمود، بلکه توانست رعب و وحشت را به اردوگاه دشمن هدایت نماید.

اکنون به لحاظ اهمیت جنگ روانی خوب است شما پیام‌گزاران به چند نکته توجه نمایید.

۱- سعی کنید اهداف دشمن را در عملیتهای روانی بشناسید و با آن مقابله کنید.

۲- دشمن در عملیتهای روانی معمولاً منافقانه وارد عمل می‌شود و اقدام به مردم‌فریبی می‌کند. سعی کنیم چهره او و عواملش را به مردم معرفی کنیم. امروز آمریکا و بعضی از متحدان اروپایی از این حربه استفاده‌های ناروایی نموده‌اند. خوب است مردم را در این مسیر آگاه سازیم.

۳- یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن، ایجاد یاس و بدبینی در میان مردم است. بکوشیم مردم را امیدوار کرده و به خوبی‌ها و کارهای مثبت انجام شده توجه دهیم.

۴- هر چه بیشتر، ایمان به خدا و امدادهای غیبی را در مردم تقویت کنیم.

۵- شگردهای جنگ روانی دشمن را برای مردم بر ملا سازیم. در جهان امروز هر قدر آگاهی ملتها بیشتر شود، زمینه خیانتها و سوء استفاده‌ها و جنایتها کم رنگ‌تر می‌شود. امروزه ملت‌های دنیا پی برده‌اند که سبب بسیاری از مشکلات و نابسامانیها به آمریکا و هم‌پیمانان او برمی‌گردد، باید این نوع آگاهیها تقویت گردد.

۴- تبلیغ الگویی

قرآن مجید در موارد زیادی بر تبلیغ به روش الگویی تأکید کرده است. ذکر داستانهای پیامبران و زنانی همچون مریم و آسیه همگی در راستای ارائه الگوهای پسندیده و بیان داستانهای فرعون، همسران نوح و لوط برای نشان دادن الگوهای ناپسند می‌باشد. یک مکتب تربیتی هر چند از تعالیم ممتاز و ایده‌آلی برخوردار باشد، مادامی که الگویی را به عنوان نمونه ارائه نکرده، موفقیت چندانی نخواهد داشت. در مکتب اسلام ارائه الگوها همراه با دستور العملها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم همدیگر ساخته است، به گونه‌ای که زمینه تأثیرپذیری مخاطب را دوچندان نموده است. در نظرگاه قرآن پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) نسخه کامل بشریت و اسوه حسنه‌ای است که تمامی رفتار و کردارش بیانگر تعالیم مکتب می‌باشد. سیره عملی و رفتاری آن بزرگوار در کتب روایی و تاریخ ثبت شده و در اختیار ما می‌باشد. ویژگیهای ایشان در خانه، اجتماع، با دوستان،

دشمنان، در جبهه و جنگ، در عبادات، در نظافت، نظم و... زبانزد خاص و عام می‌باشد و ما پیام‌گزاران با معرفی این الگوی عملی می‌توانیم پیام خود را به مخاطب بهتر ابلاغ کنیم. به خاطر داشته باشیم که در الگو دهی، ظرفیت، مخاطب، تناسب و مانند آن باید رعایت گردد. به یاد داشته باشیم انسان فطر تا میل به کمال دارد و می‌خواهد به بالاترین درجات کمالی برسد، به همین جهت سراغ نخبگان، فرهیختگان و اسوه‌های برجسته می‌گردد، چه الگویی بالاتر از پیامبرانی که در همه ابعاد زندگی می‌توانند سرمشق باشند، بکشیم با معرفی الگوهای بزرگ و دیگر الگوهای کمالی، زمینه پیشرفت و تعالی انسانها را مهیا نماییم.

۵- احترام به مردم

ادب و احترام به مردم از ویژگیهای شخصیتی پیامبر اسلام است. آن بزرگوار حتی در مقام دعوت و تبلیغ دین خدا در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و تواضع سخن می‌گفت. شما پیام‌گزاران، نیک می‌دانید که اگر مبلغ بتواند در دل و جان مخاطبان تأثیرگذار باشد در رسیدن به نتایج، گامهای سریع‌تری برداشته است و پیامبر با راهکارهای خاص خود، همچون احترام به مردم این زمینه را به وجود آورد. به عنوان مثال پیامبر (ص) احترام خاص برای کودکان قائل بود. انس بن مالک نقل می‌کند که رسول خدا (ص) وقتی که بر کودکان می‌گذشت به آنان سلام می‌داد. در روایت دیگر دارد که فرمود، یکی از پنج خصلتی که تا پایان عمر هرگز ترک نخواهم کرد سلام کردن به کودکان است تا پس از من به صورت سنت در آید.^{۱۹} همچنین احترام به دیگر طبقات در سر لوحه کار تبلیغی پیامبر بود. در روایت می‌خوانیم مردی وارد مسجد شد در حالی که پیامبر به تنهایی نشسته بود. حضرت بلند شد و جاباز کرد آن شخص با کمال تعجب گفت ای رسول خدا جا که بسیار است فرمود حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می‌نشیند بلند شود و برایش جاباز کند.^{۲۰} هرگز پیامبر اسلام خلق و خوی مردمی و محبت به مردم را فراموش نکرد. مانند خود مردم زندگی می‌کرد. قدرت، رفتار او را عوض نکرد. در همه حال با مردم و از مردم بود. عبد الله بن عمر می‌گوید از او بخشنده‌تر، یاری‌کننده‌تر، شجاع‌تر و درخشان‌تر کسی را ندیدم.^{۲۱} با این که هیبت الهی داشت، با مردم خوش رفتاری می‌کرد. وقتی در جمعی می‌نشست، شناخته نمی‌شد که او پیامبر خدا است.

۶- تبلیغ عملی

پیامبر اکرم (ص) با ارائه الگوی انسان کامل در زندگی شخصی و عملی خویش، مبلغ واقعی دین و آیین خدا گردید. این عمل بسیار تأثیرگذار بود به گونه‌ای که حتی کسانی را که افکار انحرافی در سر می‌پروراند به طرف خود جذب نمود. شمار روحانی بزرگوار نیک می‌دانید کارآیی سخن و تبلیغ زبانی در برابر کارآیی عمل بسیار ناچیز می‌باشد. به همین جهت پیشوایان دینی ما به این امر اهتمام می‌ورزیدند. در روایت می‌خوانیم که روزی پیامبر (ص) اکرم با جمعی نماز می‌گزارد و حسین (ع) در حالی که خردسال بود نزدیک ایشان بود. هر گاه پیامبر به سجده می‌رفت حسین (ع) می‌آمد و بر پشت ایشان سوار می‌شد و هر گاه رسول خدا (ص) می‌خواست سر از سجده بردارد، حسین (ع) را می‌گرفت و در کنارش می‌نهاد و وقتی به سجده می‌رفت حسین (ع) مجدداً بر پشت او سوار می‌شد. او پیوسته چنین می‌کرد تا آنکه پیامبر (ص) از نماز فارغ شد. در این هنگام مرد یهودی گفت ای محمد (ص) شما با کودکان کاری انجام می‌دهید که ما چنین نمی‌کنیم. پیامبر (ص) فرمود اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشته باشید، به کودکان مهربانی می‌کنید. مرد یهودی گفت: من به خدا و فرستاده‌اش ایمان آوردم! بدین ترتیب با دیدن این بزرگواری از پیامبر با آن عظمت جایگاه، اسلام آورد.^{۲۲}

این حرکت پیامبر (ص) یک راهکار مهم در تبلیغ دین می‌باشد. راهکاری که برگرفته از آموزه‌های قرآنی می‌باشد آنجا که فرمود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف ۲۱) ای کسانی که ایمان آوردید چرا چیزی می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن انجام می‌دهید. در نظرگاه استاد مطهری یک فرق میان مکتب انبیاء و مکتب فلاسفه و حکما این است که حکما اهل نظریه و تعلیم و تدریس می‌باشند و سروکارشان تنها از راه زبان با افکار و ادراکات بشر است. ولی پیامبران به آنچه می‌گویند قبل از آنکه از دیگران تقاضای عمل بکنند، خودشان عمل می‌کنند و لهذا تا اعماق روح بشر نفوذ می‌نمایند. قلب و احساسات بشر را تحت تصرف خویش در می‌آورند. اولیای دین مردم را با عمل خود تحت تأثیر قرار می‌دادند.^{۲۳} شما مبلغان دینی می‌دانید که عموم مردم به ویژه نسل جوان بیشتر به عمل شما نگاه می‌کنند تا محتوای پیامتان. به همین جهت خداوند متعال در آیه‌ای مبلغان بدون عمل را مورد نکوهش قرار می‌دهد و می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را

از یاد برده‌اید در حالی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنید؟! آیا خرد نمی‌ورزید؟ «أَتَأْمُرُونَ
الْإِنْسَانَ بِالْإِبْرَةِ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴).

در آیه دیگری از برانگیخته شدن خشم الهی نسبت به کسانی یاد می‌کند که سخن
می‌گویند ولی بدان جامه عمل نمی‌پوشانند.^{۲۴} رسول اکرم (ص) اولین عمل کننده به سخنان
خود بود. اگر تشویق به جهاد می‌کرد خود پیشاپیش همه در میدان بود. اگر بحث از انفاق و
تعاون داشت، خود در این زمینه نه تنها همگام مردم، بلکه پیشرو مردم بود و اگر بحث از
لغو امتیازات طبقاتی داشت، خود به عنوان نمونه با بردگان می‌نشست و غذا می‌خورد و با
اصحاب صغه به گفتگو می‌پرداخت. خود کار می‌کرد و آن‌گاه مردم را به کار و تلاش فرا
می‌خواند. ایشان در کندن خندق به سربازان کمک می‌کرد و در هیچ وضع و حالی از
همگامی با امت خودداری نمی‌کرد.^{۲۵}

۷- تبلیغ تدریجی

نمی‌توان انتظار داشت که همه مردم به یکباره به انجام نیکی‌ها و ترک بدیها مبادرت ورزند.
از این رو تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی صورت می‌گیرد، باید به تدریج انجام شود،
تا مردم طاقت پذیرش آن را داشته باشند. شما پیام‌گزاران دینی همچون طبیعیهایی هستید که
می‌خواهید بیماریهای اخلاقی و فکری جامعه را مداوا کنید. پس با حوصله، دقت و تأنی
کار خود را انجام دهید و در صدد نباشید یک شبه راه صد ساله را طی کنید. باید بدانید تبلیغ
تدریجی رمز موفقیت شماست و می‌توانید از این طریق بسیاری از مشکلات را حل کنید.
فراموش نکنید که موفقیت پیامبر اسلام در سایه تبلیغ تدریجی‌اش به دست آمد.

قرآن کریم هم در طول سالهای پس از بعثت به تدریج بر حضرت محمد(ص) نازل
گردید تا آن حضرت نیز به تدریج بر مردم قرائت و ابلاغ فرماید؛ چراکه زمینه تبلیغی خیلی
از امور فراهم نبود؛ تحریم شرب خمر و ربا از این نمونه می‌باشد. آن بزرگوار در یک
مرحله به صورت انفرادی و غیر علنی، مردم را به دین دعوت می‌نمودند. امام صادق(ع)
می‌فرماید پس از نزول وحی رسول خدا ۱۳ سال در مکه بماند که سه سال آن با دعوت
پنهانی گذشت، تا آنکه خدا فرمان علنی دعوت را اعلام و پیامبر دعوت خود را آشکار
نمود.^{۲۶} در مرحله علنی با انذار خویشان آغاز کردید. در تفسیر دُرِّ الْمَثُورِ چگونگی علنی شدن
دعوت پیامبر را این گونه نقل می‌کند که پیامبر بر بالای کوه صفا ایستاد و قریش را ندا داد.

چون اجتماع نمودند، چنین فرمود: اگر به شما خبر دهم که گروهی در پایین کوه بر ضد شما جمع شده‌اند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: آری، تو پیش ما متهم نیستی و ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. فرمود، پس شما را به عذاب دردناک هشدار می‌دهم... ابولهب برخاست و فریاد برآورد که همین امروز بمیری! مردم از اطراف او پراکنده شدند و خدا این آیه را نازل فرمود: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ».^{۲۷} اگر بخواهیم بهره‌برداری بیشتری از فرصتها بکنیم باید تبلیغ خود را با مرحله بندی و تدریجی پیش ببریم.

۸- عفو و گذشت

عفو، محو کردن آثار گناه و زشتی و بیرون نمودن ناراحتی و کینه از دل می‌باشد. از آثار عفو ایجاد محبت و دوستی و پیوند افراد با یکدیگر می‌باشد. عفو و اغماض باعث اصلاح نمودن افراد می‌گردد. یکی از راهکارهای نبی مکرم اسلام، عفو و گذشت نسبت به افراد خطاکار بود. در این رابطه خداوند در آیات متعددی پیامبر را به گذشت امر می‌کند. در آیه‌ای می‌فرماید از پر تو رحمت الهی در برابر آنها نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، بنابراین آنها را عفو کن و برای آنان آمرزش بخواه.^{۲۸} امام صادق (ع) می‌فرماید بعد از فتح مکه، پیامبر اکرم بر کوه صفا بالا رفت و فریاد زد: بنی هاشم، فرزندان عبدالمطلب، من رسول و فرستاده پروردگار به سوی شما هستم و دلسوز شما می‌باشم.^{۲۹} به نقل ابن اثیر، از مردها در کوه صفا بیعت گرفت که تا توان دارند مطیع خدا باشند.^{۳۰} عفو در جریان فتح مکه، ما را به چند نکته مهم راهنمایی می‌کند.

۱- پیامبر اکرم (ص) سعی می‌کرد که مکه را بدون جنگ و خونریزی فتح نماید.

۲- پیامبر بر طبق مقررات اسلامی می‌توانست مردم مکه را از بین ببرد و می‌توانست آنها را اسیر نماید ولی با بزرگواری روح و عظمت فوق‌العاده همه آنها را با جمله «اذهبوا فانتم الطلقاء» آزاد کرد.

۳- عفو پیامبر از کفار و مشرکین سبب جذب آنها به اسلام و جلوگیری از خونریزی و فتنه‌های زیاد و کینه‌توزی‌های عمیق شد.

۴- اگر پیامبر اساس کار خود را بر گذشت و عفو نمی‌گذازد، مسلمان‌هایی که از مشرکان مکه صدمات فراوانی خورده بودند از چنین شرایطی که قدرت به دست آورده بودند دست به انتقام می‌زدند و آنچنان هرج و مرج شدیدی پدید می‌آمد که مانع رشد اسلام می‌گردید.^{۳۱}

۹- در نظر گرفتن ظرفیت فکری مخاطبان

پیام‌گزاری که می‌خواهد پیامی را به گیرندگان منتقل کند، قبل از هر چیز باید سطح علم و آگاهی آنان را مورد توجه قرار دهد. اصولاً اگر ارسال پیام بر اساس معرفت و آگاهی پیام‌گیرندگان صورت نگیرد، تلاش پیام‌گزار در دست‌رسی به اهدافش بی‌ثمر خواهد ماند. امام صادق (ع) می‌فرماید هرگز رسول خدا (ص) با مردم به اندازه عمق عقل خود سخن نگفت^{۳۳} (یعنی معیار گفتار آن بزرگوار درجات آگاهی و معرفت مخاطبان بوده). این راهکار از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) در تبلیغ دین اسلام بوده است. امام صادق (ع) در فراز دیگری می‌فرماید: تفاوت فهم سلمان با دیگران به اندازه‌ای بود که رسول اکرم (ص) و علی (ع) از اسرار علم الهی چیزهایی را به سلمان می‌گفتند که دیگران قدرت تحمل آن را نداشتند.^{۳۳}

بنابراین قبل از انتقال پیام باید از سطح آگاهی مخاطبان آگاه باشید. اجازه بدهید برای عینی‌تر شدن موضوع مثالی بزنیم. در مجلسی حدود پانصد مسلمان علاقمند حضور دارند. معلومات اکثر آنها ابتدایی، ۵٪ دارای تحصیلات دانشگاه و ۱۵٪ بی‌سواد هستند. شما مبلغ بزرگوار می‌خواهید موضوع جاودانگی انسان پس از مرگ را بیان کنید. در این حالت، بحث از تجرد نفس و بیان ادله فلسفی در اثبات جاودانگی انسان پس از مرگ نه تنها مناسب نمی‌باشد، گاه زیان‌آور نیز خواهد بود. راهکار این است که شما مبلغ محترم ضمن بیان اهداف بحث، توضیح دهید که اسلام مرگ را نابودی نمی‌داند. بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگری می‌داند. این‌گونه پیام‌رسانی همگان را به‌رمند خواهند کرد و گرنه بیشتر افراد مجلس از شما هیچ‌گونه بهره‌ای نخواهد برد.

امام علی (ع) درباره پیامبر (ص) می‌فرماید: پیامبر طیبی است که در میان بیماران می‌گردد تا دردشان را درمان کند داروها و مرهم‌های خود را مهیا کرده است و ابزار جراحی خویش را گذاخته است تا هر زمان که نیاز افتد آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا بگذارد.^{۳۴}

استاد مطهری در شرح این حدیث می‌فرماید: پیامبر ابزار و وسایلی به کار می‌برد. یک جا قدرت و میسم (داغ) به کار می‌برد یک جا مرهم. یک جا با خشونت و صلابت رفتار می‌کرد و یک جا با نرمی. ولی مواردش را می‌شناخت. در همه جا از این وسایل که استفاده

می‌کرد در جهت بیداری و آگاهی مردم استفاده می‌کرد. شمشیر را جایی می‌زد که مردم را بیدار کند نه به خواب کند. اخلاق را در جایی به کار می‌برد که سبب آگاهی و بیداری می‌شد.^{۳۵} لذا پیامبر (ص) می‌فرماید: «ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.»^{۳۶} مولوی به مضمون حدیث اشاره کرده و می‌گوید:

پس همی گوید به اندازه عقول عیب نبود، این بود کار رسول

ایشان در توضیح حدیث ادامه می‌دهد که فلاسفه یک منطق و یک سبک معین در بیان به کار می‌برند. آنها یک متاع و یک جنس بیشتر در مغازه خود ندارند. مشتریهای آنها هم فقط یک طبقه هستند و این از عجز آنهاست. می‌گویند بر سر در مدرسه معروف افلاطون (که باغی بود در بیرون شهر آتن و نام آن باغ آکادامیا بود و امروز هم به همین مناسبت مجامع علمی را آکادمی می‌گویند) شعری نوشته شده بود که مضمونش این بود هر کس هندسه نخوانده به این مدرسه وارد نشود. اما در مکتب و روشی که انبیاء دارند، همه گونه شاگرد می‌تواند استفاده کند. همه جور متاع در آنجا هست، هم عالی که افلاطون باید بیاید شاگردی کند و هم پایین که به درد یک پیرزن می‌خورد. بر سر در هیچ مکتب پیامبری نوشته نشده که هر کس می‌خواهد از اینجا استفاده کند باید فلان قدر تحصیل کرده باشد، زیرا «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم»^{۳۷}

۱۰- ارسال نامه به سران و پادشاهان جهان

زمانی که اسلام و قوانین اسلامی در مدینه استقرار پیدا کرد، پیامبر اکرم (ص) تصمیم گرفتند رسالت جهانی خود را بر همه مردم جهان عرضه بدارند. لذا ارسال نامه به شاهان کشورهای بزرگ و مقامات مذهبی سیاسی و رؤسای قبایل در نواحی مختلف جزیره العرب در دستور کار پیامبر قرار گرفت. لذا نامه‌هایی توسط فرستادگان خویش به پادشاهانی که در دوران آن حضرت حکومت می‌کردند فرستادند که از آن جمله می‌توان به نامه‌های آن حضرت به پادشاه روم، پادشاه حبشه، پادشاه اسکندریه و پادشاه یمامه اشاره کرد. در تاریخ آمده است که یکی از کارهای مهم آن حضرت تشکیل دیوان الرسائل یا دبیرخانه بوده و همیشه گروهی از کاتبان، نامه‌ها و فرمان‌های پیامبر را می‌نوشتند و به وسیله پیک می‌فرستادند و نامه‌های رسیده را نیز به نظر ایشان می‌رساندند و اگر احتیاج به ترجمه داشت ترجمه می‌کردند.^{۳۸}

این حرکت پیامبر اسلام یک راهکار مهم در تبلیغ دین به شمار می‌رود، اگر قوانین دینی و آموزه‌های آن، جهان شمول می‌باشد، راهکارهای تبلیغاتی آن هم باید متناسب با آن، فرا منطقه‌ای باشد و پیامبر اسلام با حرکت تبلیغی خود این را اثبات کردند. استاد جعفر سبحانی می‌نویسد: نامه‌های پیامبر مکرم اسلام (ص) روشی بسیار نوین و ابتکاری در دیپلماسی بود که هرگز بی‌اثر نبود. همچنان که می‌توان آن را بهترین گواه بر قوت ایمان آن حضرت شمرد، زیرا کسی که هنوز از زیر فشار شکنجه قوم خود نجات نیافته و چندان نیرو و ارتشی نداشت، باکمال صراحت و شجاعت امپراتور ایران و همچنین سایر زعماء و رهبران جهان را به سوی اسلام فراخواند؛ در حالی که هنوز حتی در شبه جزیره عربی استقرار کافی نیافته بود و همین روش و دیپلماسی پیامبر بود که بعضی از زمامداران را به دین اسلام متمایل ساخت.^{۳۹} پروفیسور محمد حمید الله، استاد دانشگاه پاریس در کتاب الوثائق السیاسیه ۲۹ نامه آن حضرت و مرحوم آیه‌الله احمدی میانجی در کتاب مکاتیب الرسول صورت ۱۸۶ نامه از نامه‌های پیامبر را ذکر کرده‌اند.

۱۱- مردمی بودن

قرآن درباره پیامبر می‌فرماید به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»^{۴۰} به تعبیر مفسرین، عبارت «من انفسکم» در جمله «لقد جائکم رسول من انفسکم» اشاره به شدت ارتباط پیامبر با مردم دارد؛ گویی پاره‌ای از جان مردم و از روح جمعی در شکل پیامبر (ص) ظاهر شده است. به همین دلیل تمام دردهای مردم را می‌داند، از مشکلات آنان آگاه است و در ناراحتیها و غمها با آنان شریک می‌باشد^{۴۱}. پس از ذکر صفت «من انفسکم» به سه قسمت دیگر از صفات ممتاز پیامبر که در تحریک عواطف اثر دارد اشاره می‌کند. اول می‌گوید «عزیز علیه ما عنتم» که هر گونه ناراحتی و زبان و ضرری به شما می‌رسد برای پیامبر سخت ناراحت کننده است. دیگر این که او سخت به هدایت شما علاقه مند است «حریص علیکم» و آخر این که می‌فرماید «بالمؤمنین رئوف رحیم» یعنی او نسبت به مؤمنان رئوف و رحیم است.

بکشیم به تاسی از پیامبر اسلام ارتباطی دوستانه با مردم برقرار نماییم: زندگی ساده و بدون تشریفات داشته باشیم. هجرت و حرکت به سوی مردم داشته باشیم و منتظر نباشیم تا مردم مراجعه کنند. به همسایگان، کودکان، نوجوانان و جوانان توجه بیشتر کنیم. خود را خدمت‌گزار مردم بدانیم و دیگران را برای راحتی خود به زحمت نیندازیم. توقع نداشته باشیم که ما بنشینیم و دیگران خدمت کنند. بلکه از جا برخیزیم و در کارها مشارکت نماییم. برادری را جایگزین تفرقه‌ها و اختلافها نماییم. همت ما ایجاد صلح و دوستی در میان همه مردم باشد. در کارها، تصمیم‌گیریها با مردم مشورت کنیم و به رای آنها احترام بگذاریم. تمایلات فطری انسانها را در نظر بگیریم. و سرانجام این که سبقت در سلام و احوالپرسی، دست دادن، خوشرویی، اجازه خواستن هنگام ورود به مکانی. نه تنها از اهمیت و اعتبار ما کم نمی‌کند، بلکه بر عظمت ما پیام‌گزاران در نظر مردم می‌افزاید.

۱۲- شرح صدر

شرح صدر به معنی توسعه، توانایی و آمادگی قلب، فکر و روح آدمی در پرتو انوار و الطاف الهی برای دریافت و پذیرش حقایق و معارف دینی و تحمل و شکیبایی در برابر ناملازمات و مشکلات تبلیغ دین است.^{۴۲} روایت شده است که پس از این که رسول گرامی اسلام آیه شریفه «فَن يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^{۴۳} ... را تلاوت فرمود از ایشان پرسیدند: معنی شرح صدر چیست؟ فرمود نوری است که در قلب آدمی تابانده می‌شود و در اثر آن قلب وسعت (آمادگی برای قبول حق) می‌یابد.^{۴۴} در حدیث می‌خوانیم پیامبر، فرمود بیشترین دعای من و دعای پیامبران پیش از من در عرفه این دعاست: خدایا در دلم و گوشم و چشمم نور قرار بده، خدایا به من شرح صدر بده و کارم را آسان کن.^{۴۵}

آثار و نشانه‌های شرح صدر

۱- اگر شما پیام‌گزار دینی از موهبت شرح صدر بهره‌مند باشید، برای از دست دادن امکانات مادی، موقعیت سیاسی-اجتماعی، پست و مقام، دلتنگ و اندوهگین نمی‌شوید و پادشاهای بی‌پایان الهی و سرای جاوید آخرت را فراروی خود می‌بینید. از رسول خدا(ص) پرسیدند نشانه شرح صدر چیست؟ فرمود روی گردانی از خانه فریب (دنیا) به سرای جاودانگی (آخرت) و مهیا شدن برای مرگ بیش از آنکه فرارسد.^{۴۶}

۲- خشونت و بی ادبی مخاطبان ناآگاه شما را آزرده خاطر و خشمگین نمی سازد. در این مورد می توان به سعه صدر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در پاسخ به پرسش های توأم با خشونت ضحمان بن ثعلبه، فرستاده بنی سعد بن بکر و در نهایت مسلمان شدن او و قبیله اش اشاره نمود.^{۴۷}

۳- در نفرین و مجازات مخالفان شتاب نمی ورزید. خدای مهربان به رسول اکرم (ص) می فرماید «فَاضِرٌ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ»^{۴۸} صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد. از این رو آن حضرت هنگام مواجهه با آزار و اذیت مردم به جای نفرین و گلایه، برای آنها دعا می کرد «اللَّهُمَّ اهد قومی فانهم لا یعلمون»^{۴۹} پروردگارا ملتّم را هدایت فرما که نادان اند.»

چگونه صاحب شرح صدر شویم؟ شرح صدر موهبتی است که از سوی آفریدگار حکیم و مهربان به کسانی که با ایمان و عمل صالح، مقدمه دریافت نعمت بزرگ را در خود ایجاد کرده اند عطا می شود. از جمله عوامل شرح صدر می توان به خودسازی، پرهیز از گناه، یاد خدا و ارتباط مداوم با دانشمندان و علما صالح اشاره نمود.

۱۳- تبشیر و انذار

تشویق، به معنی برانگیختن، به شوق درآوردن^{۵۰} و راغب نمودن و تشبیه به معنی بیدار نمودن و آگاهی دادن است.^{۵۱}

قرآن از واژه تبشیر و انذار استفاده می نماید و درباره پیامبر اکرم (ص) می فرماید ما تو را مبشّر و نوید دهنده فرستادیم.^{۵۲}

تشویق و تبشیر موجب ترویج ارزشها و حرکت به سوی تکامل است. با تشویق می توان اراده و روحیه افراد را قوی و پربار نمود. همچنان که تنبیه برای پیشگیری و درمان بسیاری از ناهنجاریها راهگشاست.

شما پیام گزاران با تشویق می توانید ارزشهای دین را در دلها تثبیت کنید و با تشبیه افراد خطاکار آنها را متوجه عاداتهای زشت و ناپسندشان نمائید و به آنها بفهمانید که باید دست از عملشان بردارند و گرنه سرنوشت شومی در انتظار آنها خواهد بود. استاد مطهری می فرماید تبشیر و انذار هیچ کدام به تنهایی کافی نمی باشد. تبشیر هم شرط لازم هست

ولی شرط کافی نمی‌باشد. انذار هم شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. در دعوت به تبلیغ دین، هر دور رکن باید باشد. اشتباه است اگر مبلغ تنها تکیه‌اش روی انذارها باشد و بلکه جانب تبشیر باید بچربد و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد^{۵۳}. در قرآن کریم و سیره معصومین، هم تشویق مطرح شده و هم تنبیه. به عنوان نمونه قرآن به رسول گرامی اسلام می‌فرماید مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن^{۵۴} و هنگامی که زکاتشان را می‌پردازند بر آنان درود فرست و برایشان دعا کن^{۵۵}. و یا به عنوان تنبیه می‌فرماید: از جاهلان روی بگردان و در مسجد منافقان به عبادت نایست.^{۵۶}

از مهم‌ترین بشارت‌های پیامبر که خطاب به مشرکان برای پذیرش اسلام می‌باشد، شعار بزرگ قولوا لا اله الا الله تفلحوا (بگویند معبودی جز الله نمی‌باشد تارستگار شوید) است که سر لوحه دعوت و تبلیغ پیامبر اکرم (ص) بود. مژده به نعیم اخروی و بشارت به سعادت دنیوی در دعوت پیامبر زیاد به چشم می‌خورد. هم چنین انذار و هشدار پیامبر به مشرکان نسبت به عواقب کاری در دستور کار پیامبر بود. استاد مطهری معتقد است بعضی دعوت‌ها تنها سوق دادن نمی‌باشد، بلکه تنفیر و نفرت ایجاد کردن و فرار دادن است. ایشان معتقد است بسیاری از اوقات پدرها و مادرها یا بعضی از معلمان کاری می‌کنند که در روح بچه، حالت تنفر و گریز از مدرسه ایجاد می‌شود. طبق سیره ابن هشام پیامبر وقتی معاذ بن جبل را برای تبلیغ مردم یمن به یمن فرستاد، به او چنین توصیه کردند: «یا معاذ بشر و لا تنفر. یسر و لا تعسر»؛ برای تبلیغ اسلام، اساس کارت، تبشیر و مژده باشد؛ کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. پیامبر فرمود و لا تنذر؛ چون انذار، جزو برنامه‌ای است که قرآن دستور داده، بلکه فرمود لا تنفر، کاری نکن که مردم را از اسلام فراری دهی و متنفر کنی. مطلب را طوری تقریر نکن، که عکس العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.^{۵۷}

۱۴- سازش ناپذیری در اصول

سازش ناپذیری در اصول به معنی داشتن قاطعیت، صلابت، انعطاف ناپذیری در اصول و مبانی دین و مذهب، ارزشها و احکام الهی و حقوق مردم است. دشمنان خدا در طول تاریخ در پی آن بودند که از حرکت‌های الهی پیامبران، در جهت پیاده شدن آموزه‌های دینی جلوگیری کنند. در این مسیر پیامبر خدا نیز با مشکلات و موانع متعدد و از جمله تطمیع و تهدید

روبرو بود، ولی از رسالت الهی خویش کوتاه نیامد؛ بلکه فعالیت خویش را بیشتر و بیشتر نمود، به گونه‌ای که توانست سرود توحید را به گوش جهانیان برساند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود به خدا سوگند اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی فرمانروایی همه جهان را به من دهند) که از تبلیغ آیین و از هدقم دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد و هدف خود را تعقیب می‌کنم تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهانی برسم و یاد راه هدف جان سپارم.^{۵۸} مهم‌ترین موردی که لازم است به تأسی از پیامبر اسلام، پیامگزاران دینی در جهت حفظ آن استوار باشند، حفظ اصول و مبانی دین و مذهب می‌باشد. هرگز راضی به کم‌ترین تحریف و انحراف در باورهای دینی، ارزشها و احکام الهی نشوید. با کسانی که ایمان و عقاید اسلامی را مورد تعرض قرار می‌دهند، تسامح و تساهل روا مدارید. حفظ نظام اسلامی از مهمترین واجبات شرعی است و همه باید نسبت به آن اهتمام کامل داشته باشیم. البته مواردی را که سزاوار است، آسان بگیرید و باگذشت باشید. به عنوان نمونه در مسائل و حقوق شخصی، با خانواده، همکاران و مردم با مهربانی و مدارا برخورد کنید. در مسائل فرعی دینی، آن مواردی که دین آسان گرفته شما نیز به خودتان و دیگران آسان بگیرید.

۱۵- تألیف قلوب و ایجاد وحدت

مبلغ بایستی در انجام رسالت الهی خویش در تألیف قلوب مردم و ایجاد وحدت بین آن کوشا باشد و این حرکت را به پیروی از پیامبر اکرم و وظیفه اصلی خود بشمارد. یکی از کارهایی که پیامبر (ص) شاید در همان ماههای اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد اخوت بین مسلمانها بود؛ یعنی مسلمانها را با هم برادر کردند. بدین صورت که آنها را دو به دو با هم برادر قرارداد و طبقات و خانواده‌های اینها و اشرافی‌گری اشراف مدینه و قریش را رعایت نکرد و غلام سیاهی را با یک نجفی بزرگ و آزاد شده‌ای را با یک آقازاده معروف بنی هاشم با قریش برادر کرد. او با این کار زمینه برادری را در بین مردم ترویج داد. بکوشیم زمینه برادری را در میان همه مردم و میان هم طوایف و فرق ترویج کنیم. اندکی تأمل ما را متوجه این نکته می‌کند که امروز سرنخ بسیاری از اختلافات بین مسلمین، به دست قدرتهای استکباری می‌باشد که می‌کوشند جایگاه وحدت دینی را در بین مردم کم رنگ کنند. باید بکوشیم با این حرکت، مقابله و وحدت را ترویج کنیم. مقام معظم رهبری در خصوص وحدت می‌فرماید:

«دو جهت‌گیری اساسی در وحدت وجود دارد، یکی عبارت از رفع اختلافات و تناقضها و درگیری‌ها و تضادها که از قرن‌ها پیش تا امروز بین طوائف و فرق مسلمین وجود داشته و همیشه به ضرر مسلمین بوده است. دیگر این که وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد و الا هیچ است. علمای اسلام قبول دارند که قرآن می‌فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»^{۵۹} پیامبر که نیامد نصیحتی بکند حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند، و به او هم احترامی بگذارند، آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد. جامعه و زندگی را هدایت کند. نظام را تشکیل دهد و انسانها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد.»^{۶۰}

نتیجه‌گیری

با دقت در سیره عملی و تبلیغی پیامبر روشن می‌شود که مبلغان و پیام‌گزاران باید از برجسته‌ترین افراد باشند و در کارهای بایسته و شایسته و پرهیز از بدی پیشگام و جلودار باشند. باید باورهای دینی و معرفتی در آنان همچون پیامبر (ص) نمونه باشد. اخلاق معاشرتی مبلغان مانند پیامبر (ص) باید در حد بسیار مطلوبی باشد، به گونه‌ای که هر کس آنان را می‌بیند گمشده خود را در آنان دریابد. مردم باید بی‌اعتنایی به دنیا، آزادگی، دلسوزی و گذشت را در وجود مبلغ ببینند. همچنان که باید تواضع، شجاعت و شهامت را در وی مشاهده کنند. آری پیام‌گزار دینی آنچه را که از دین برای مردم می‌گوید، مردم همان را در عمل او ببینند. رویکرد پیامبرانه در دهکده جهانی، بهترین روش برای دعوت مردم به دین خدا می‌باشد و راهکارهای تبلیغی نبی اکرم (ص) ما را به آن رویکرد نزدیک می‌کند.

پی‌نوشتها:

۱. دائرة المعارف علوم اجتماعی ۵۷۷، دکتر ساروخانی، مؤسسه کیهان، ۷۰.
۲. پژوهشی در تبلیغ، محمد تقی رهبر، نشر سازمان تبلیغات / تهران، ۸۱ ص ۸۰.
۳. لغت‌نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، نشر دانشگاه، تهران، ۷۳.
۴. رک تبلیغ دین از منظر دین، حمید نگارش و همکاران، نشر زمزم هدایت، ۸۲.
۵. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، نشر سازمان مدارک فرهنگی، بهار ۷۵، ص ۳۹۴.
۶. مقدمه‌ای بر جهان بینی، مرتضی مطهری، صدرا، بی‌تا، ص ۱۴۸.
۷. حیات الصحابه، ج ۱، ص ۷۳.
۸. همان، ج ۱، ص ۷۴.

۹. همان، ص ۸۰.
۱۰. همان، ص ۸۵-۸۶.
۱۱. ر.ک. پژوهش در تبلیغ، ص ۴۲۲.
۱۲. مفردات راغب، ماده حلم.
۱۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳، علامه مجلسی، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۱۴. همان، ج ۷۸، ص ۲۶۹.
۱۵. همان، ج ۱، ص ۱۱۷.
۱۶. همان، ج ۱۶، ص ۲۳۰.
۱۷. همان، ص ۲۶۴.
۱۸. جنگ روانی و تبلیغات محمد شیرازی، ص ۱۴۰.
۱۹. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵.
۲۰. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۶، شیخ عباس قمی، نشر دارالاسوة.
۲۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۱.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.
۲۳. حکمت‌ها و اندرزها، ص ۲۲۳، مرتضی مطهری، صدرا.
۲۴. ۲، ص ۲.
۲۵. روش دعوت محمد(ص)، ۷۲-۷۳ یا اندکی تصرف، علی قائمی، نشر شفق، قم سال ۵۷.
۲۶. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۷.
۲۷. اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان / ۱۲۶، مصطفی عباسی، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۷۹.
۲۸. آل عمران، ۱۵۹، (فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ...)
۲۹. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.
۳۰. الکامل ابن اثیر، بیروت، ۸۵.
۳۱. ر.ک. خورشید اسلام چگونه شکل گرفت، ۱۹۷.
۳۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵.
۳۳. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۳۱.
۳۴. نهج البلاغه خطبه ۱۰۸.
۳۵. سیری در سیره نبوی، ص ۱۳۴، مرتضی مطهری، صدرا.
۳۶. تبلیغ در قرآن و حدیث، ۲۸۹.
۳۷. ده گفتار، ۲۰۱، مرتضی مطهری، صدرا، بی تا.
۳۸. مبانی حکومت اسلامی، ۲۸۹، ترجمه داود الهامی نشر کتابخانه امیر المؤمنین، ۶۲.
۳۹. همان، ص ۱۷.
۴۰. توبه: ۱۲۸.
۴۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۶.
۴۲. با استفاده از العین، مفردات راغب، نشر طوبی لغت‌نامه دهخدا و المیزان. واژه صدر.

۴۳. انعام: ۱۲۵.

۴۴. الدر المنثور، ج ۳، ص ۴۵، سیوطی، بیروت، دار المعرفة.

۴۵. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۲۰۶.

۴۶. همان، ص ۶۱.

۴۷. ر.ک. سیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۱۹.

۴۸. قلم: ۴۸.

۴۹. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱.

۵۰. اقرب الموارد، ج ۳، ص ۱۱۸. سعید الخوری، نشر دار الاسوه، ۷۴.

۵۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، ص ۷۱۹.

۵۲. احزاب: ۴۵.

۵۳. سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۹-۲۰۶، مرتضی مطهری، صدرا.

۵۴. انفاق / ۶۵.

۵۵. توبه / ۱۰۳.

۵۶. انعام: ۶۸، اعراف: ۱۹۹. توبه: ۱۰۸.

۵۷. مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۵۶.

۵۸. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۷.

۵۹. آل عمران: ۱۰۳.

۶۰. حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۴۴. نشر مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی